

آيا کوچی ها طالبان پاکستانی هستند؟

کوچی ها و کوچی گری در کشور ما سابقه طولانی داشته و بگذشته های بسیار دور میرسد. کوچی ها مانند دیگر اقوام، قبایل و تبارهای کشور مردم شرافتمند و با عزت اند که بنابر موقعیت و حالت بدی زندگی، رنج های بی پایان بی سر پناهی و سرگردانی را در طول تاریخ کشیده، زندگی پر از درد، رنج و عذاب داشته، نه خود و نه هم فرزندان شان خانه ای برای زندگی داشتن، نه داکتری برای معالجه و نه هم مکتب و مدرسه ای برای تعلیم و تحصیل.

از خدمات صحی نا چیزیکه، قسما دیگر هموطنان میتوانند بهره ببرند کوچی ها به دلیل دوری از شهرها و مراکز صحی بی بهره بوده و به خدمات اجتماعی، کلتوری و فرهنگی هیچگونه دست رسی نداشته اند. دولت های وقت با بی توجهی کامل به کوچی ها و فرزندان شان برخورد کرده، گاهی هم در فکر رفع معضله، کوچی گری و پیدا نمودن راه های معقول مسکن گزین ساختن این هم وطنان آواره و سرگردان و تأسیس مکاتب و مدارس برای تعلیم و تربیه فرزندان کوچی ها، ایجاد مراکز صحی، کلتوری و اجتماعی نشده و کوچی ها را گویا به حال خود شان گذاشته اند.

در سه دهه قبلی به نسبت بی امنی و نبود شرایط، کوچیها مانند سایر هموطنان مهاجر، تابستانها را در دشت ها و کوه پایه های داغ و سوزان مناطق سرحدی، که در گذشته ها صرف ایام سرد سال را در آنجا ها سپری میکردند و در اوقات گرم دوباره به افغانستان می آمدند، گذشتانده و تلاش کردند به این ترتیب خود را از شر گروپ های مجاهد که بصورت ممتد به مال و مواشی شان دست برد میزدند، بدور نگهداشته، از اراضی و چراگاه های شان دور و بی خیر بمانند. این اراضی و چراگاه توسط قوماندانان زورمند و تفنگ بدستان محلی غصب گردیده، که یا خود بزور بالای آن سینه زده و یا تحت نام غنیمت برای افراد و اشخاص دیگر به فروش رسانده، معضله ای بر معضلات کشور افزوده و خود در " غندی خیر " نشسته و تماشا میکنند که چگونه انسانهای ساده و بی گناه همدیگر خود را میدردند.

با سقوط حکومت طالبان و رویکار آمدن حکومت های موقتی، انتقالی و انتخابی و بهتر شدن نسبی وضع امنیتی، که کوچی ها مانند دیگر هموطنان برایش دقیقه شماری میکردند، به اراضی (قرار اظهارات خود کوچی ها، ایشان اراضی مذکور را به پول و قبالة شرعی خریده اند) و چراگاه هایکه حکومت های قبلی در اختیار شان گذاشته بودند، برگشتند، که نه از اراضی شخصی شان خبری است و نه هم از چراگاه ها. همه بدست زورمندان و تفنگداران محلی غصب و لیلان گردیده است. چون در طی سی سال جنگ و زور آزمایی تنظیم های جهادی، همه مردم مسلح شده اند، لذا با برگشت کوچی ها، رویا رویی مسلحانه میان مردم محل و کوچی ها بوقوع پیوست و طرفین تلفات جانی و مالی زیادی را متحمل شده و دولت کمسیونر اموظف ساخت تا موضوع را با در نظر داشت منافع طرفین و اسناد و قبالة های شرعی بررسی نموده و راه حل معقول و طرف پسند جانبین را بدولت ارایه بدارد و شخصی رئیس جمهور از کوچی ها خواست که تا حل پرابلم توسط کمسیونر از محلات مذکور بدور بمانند، که چنین هم شد. مگر کمسیونر بی کفایت دولت کرزی یا نتوانست و یا هم نخواست راه حل قانونی و پذیرفتنی برای طرفین معضله پیدا کرده و پرابلم را حل نماید.

باری آقای سیاوون رئیس کمسیونر دولتی رسیدگی به مشکل کوچی ها که همزمان سمت مشاور رئیس جمهور را نیز دارد طی صحبت با رادیو بی بی سی گفت که برای اسکان کوچی ها در نظر است ۱۲ شهرک با محلاتی برای تربیه و فروش حیوانات اعمار شود. مگر موصوف نگفت در کجا و چگونه و با کدام امکانات معیشتی و با کدام منابع پولی. پلان ساختمان شهرک ها برای کوچی ها مانند سایر پلانها و پروگرام های دولت ضرب المثل "نوشتن در یخ و گذاشتن در آفتاب" را بخاطر میآورد. ساختمان یک شهرک رهائشی اولاً به احصائیه دقیق که چه تعداد انسان ها در آن زندگی خواهند کرد، به چه وسایل و امکانات و تسهیلات نیاز دارند، سیستم های تخنیکی (آبرسانی، کانالیزیشن، برق، گاز، تلفون و...) چگونه و از کجا تأمین میشود، به چه تعداد مراکز صحی و به چه تعداد مکتب و بکدام سویه ضرورت وجود دارد، پرسونل تخنیکی و صحی، معلمین و کارمندان طرف نیاز از کجا تأمین میشود، سیستم اتصالات ترانسپورتی به چه شکل و توسط کدام مراجع اجرا میشود، ضرورت های مواد ساختمانی چگونه حل میگردد و از همه مهمتر اینکه منابع پولی برای ساختمان، نه یک شهرک بلکه ۱۲ شهرک از کجا تأمین میشود. در شرایط کنونی چون تمام پلانهای انکشافی دولت از طرف مراجع خارجی تأمین میشود، لذا باید از همه بیشتر تثبیت می شد، که کدام کشور منابع پولی ساختمان این شهرک ها را فراهم میسازد. همه اینها گواه است، که دولت صرف پلان

های غیر عملی، غرض خاموش ساختن کوچی های سرگردان و راضی نگه داشتن مردم ستم دیده و رنج کشیده هزاره و ماست مالی کردن موضوع هدفی دیگری ندارد.

در سال جاری با برگشت مجدد کوچی ها، این پرابلم یک بار دیگر بالا گرفت و زد و خورد های مسلحانه بین طرفین کشته و زخمی بجا گذاشت. دولت بی کفایت آقای کرزی این بار کمیونی را زیر نظر معاون رئیس جمهور آقای خلیلی تعیین و توظیف نمود تا پرابلم میان کوچی ها و مردم محل را بررسی و پیشنهادات لازم غرض حل موضوع را آماده سازد. مگر کمیون با سفرهای مکرر به محل و صحبت با جوانب درگیر شاید با در نظر داشت باریکی موضوع و سر و صدا های مختلف و مخالف از طرف اروپا ها و افراد مغرض که چند سالی است از این آب کثیف ماهی گرفته و نگذاشته اند یک راه حل قانونی و عادلانه برای معضله طرفین درگیر پیدا شود، خاموشی اختیار کرده، کدام راه حل در زمینه پیشنهاد ننموده و شاید هم منتظر فیصله سیستم قضایی کشور مانده باشد.

بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله و به قدرت رسیدن تنظیم های جهادی اصطلاح کمونیست، مشهور و ورد زبان شده و برای هر کسی که خوش گروپ های جهادی و رهبران شان نمی آمد، کمونیست خطاب میکردند تا او را در جامعه تجرید نموده و به اهداف و خواسته های شوم خود بدون درد سر دست یابند. حتی باری آقای مجددی در جلسه لویه جرگه برای ملالی جویا، کمونیست و کافر خطاب کرد زیرا موصوفه رهبران جهادی را به نام اصلی شان (جنایت کار) یاد کرده بود.

با سرنگونی طالبان بدست نیروهای امریکایی در سال ۲۰۰۱ و رویکار آمدن حکومت جدید به هر کسی که به مزاج اولیای امور و دیگرانیکه مقاصد پشت پرده دارند، برابر نباشد، بر چسب طالب زده میشود، که کوچی های طالبی هم از همین برچسب هاست، که نه چسپش دارد و نه هم رنگ و محتوای واقعیت. کوچی های که تابعیت افغانستان را دارند، افغان بوده از تمام حقوق و امتیازاتیکه باشندده های این کشور برخوردار اند، مستفید شده میتوانند. آنها حق دارند مانند دیگران از خدمات اجتماعی، صحتی، کلتوری و ... استفاده برده، در پارلمان کشور نماینده داشته از عدالت اجتماعی بهره برده و در چوکات قوانین نافذ کشور طالب حقوق و امتیازات خود شوند.

آنچه به قاچاق مواد مخدر، سلاح، اسعار و اجناس به کوچی ها نسبت داده میشود، از تصور بیرون نیست. این نتیجه سه دهه جنگ و ویرانی در کشور میباشد. قاچاق سلاح و مهمات جنگی از طریق سرحدات کشور، گپ تازه و امروزی نیست، که بعضی از هموطنان با تند روی به کوچی ها نسبت میدهند. این میراث دوران جهاد است که تا امروز دوام داشته و شاید بازی کنان صحنه ها تعویض شده باشد، ولی در محتوا کدام تغییر و تفاوت نیامده است. در آنزمان قاچاق سلاح بخاطر قتل و کشتار انسان های بیگناه صورت میگرفت و امروز هم چنین است. جمع آوری سلاح و مهمات جنگی تحت پروگرام "دایاک" بکمک مالی و تخنیک جاپان بعد از سقوط طالبان آغاز نیک و پسندیده بود، که توانست سلاح های ثقیل و خفیف گروپ های مجاهد را که خود داوطلبانه حاضر به تسلیمی آن شدند، جمع آوری کند، مگر نه تمام سلاح های دست داشته را. سلاح و مهمات جنگی در نقاط مختلف کشور در دست افراد و اشخاص و گروپ های جنگی وجود دارد و از آن نمیتوان چشم پوشی کرد. قاچاق سلاح از جنوب به شمال، از شرق به غرب و برعکس آن وجود داشته و بارها از آن در مطبوعات سرو صدا ها بالابوده است. همچنان ارسال سلاح های کهنه از پاکستان و ایران به افغانستان برای گروپهای مختلف، هنوز یک پرابلم عمده بوده و نیروهای ناتو نتوانسته اند جلو آنرا بگیرند. نیروهای امریکایی بار سلاحهای ساخت ایران را نزد گروپهای مخالف دولت کشف نموده و از آن شاکی بوده اند. این خود موج تازه ای از مداخله در امور داخلی افغانستان را نشان میدهد.

پارلمان کشور و وکلای ملت؟؟ در برابر موضوع کوچی ها و زد خورد های مسلحانه شان با مردمان محلی بی تفاوتی نشان داده، به استثنای صدور اعلامیه های بی تاثیر بکدام عمل سازنده که بتواند در حل این معضله موثر واقع شود، دست نزد. در حالیکه پارلمان نمایندگان جناح های مختلف درگیر را در جمع خود داشته و میتوانست با تشویق ایشان به همکاری در زمینه موثر واقع شود. وکلای مغرض طرفین با ایراد بیانه های پر طمطراق و دور از واقعیت، گاهی دولت و زمانی هم طرف مقابل را تهدید نموده و با استفاده از الفاظ و کلمات رکیک، اختلافات را چاقتر ساختند. روشنفکران اقوام و تبارهای درگیر با نوشتن مقاله های یکجانبه و دور از واقعیت های جامعه به تحریک طرف ها پرداخته و بالای آتش تعصبات ملی، زبانی و محلی، تیل ریخته آنرا شعله ورتز ساختند. در حالیکه راه حل این پرابلم ها واقعیت نگری، مدارا، گذشت و صحبت های سازنده میباشد که بتواند کدورت ها را کم ساخته و طرفین را بهم نزدیک نموده و مشکل را بصورت عاقلانه، دور از تعصب حل و به قناعت طرفین پرداخته شود.

ماده ۱۴ قانون اساسی افغانستان مشعر است که :

د پائو شمیره: له ۲ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

« دولت برای انکشاف زراعت و مالداري، بهبود شرايط اقتصادي، اجتماعي و معيشتي دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگي کوچيان در حدود بنيۀ مالي دولت، پروگرام هاي موثر طرح و تطبيق مي نمايد.»

از هيچ کس پنهان نيست، که کشور ما يک کشور زراعتي بوده، قسمت اعظم مردم مشغول زراعت و مالداري هستند ولي نه به شيوه هاي تخنيکي و علمي مدرن فعلي، بلکه با ميتودهاي کهنه و عقب مانده. حاصل کار دهقانان خيلي پايين بوده و اکثرا کفايت زندگي بخور و نمير را به مشکل مي نمايد. اگر دولت واقعا خواسته باشد که پرايلم کوچي ها را با اسکان شان در مناطق مناسب حل نمايد، نبايد به شعار دادن ها و صدور مصوبه هاي روي کاغذ اکتفا کرده، بلکه کار عملي و دلسوزانه را با طرح پلانهاي علمي و عملي آغاز نمايد. خوشبختانه کشور ما داراي دشت ها و صحرا ها در نقاط مختلف کشور (ولايت هاي هلمند، فراه، بلخ، غزني، جوزجان، کندز، فارياب و ...) ميباشد، که با جستجوي منابع آب و آبياري آنها نه تنها مشکل کوچي ها حل شده، بلکه ساير هموطنان ما نيز از آن بهره مند شده، از يک طرف زراعت در کشور رشد کرده و از سوي ديگر اختلافات بين اقوام مختلف و برادر کشور بصورت عادلانه حل ميگردد.

اسکان کوچي ها در نقاط مختلف و مناسب کشور در مطابقت کامل با ماده ۳۹ قانون اساسي کشور که چنين حکم ميکند:

« هر افغان حق دارد به هر نقطۀ کشور سفر نمايد و مسکن اختيار کند، مگر در مناطقي که قانون ممنوع قرار داده است.» بوده، امريست ضروري که هم برادران سرگردان و بي خانمان کوچي جاي براي زندگي مي يابند و هم مناسبات دوستي و برادري و برابري ميان تمام اقوام و تبار هاي کشور تأمين و تحکيم مي يابد.

پايان

[Ghulam Zare [ghulamzare@web.de

د پايو شميره: له ۳ تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيبر و لولي